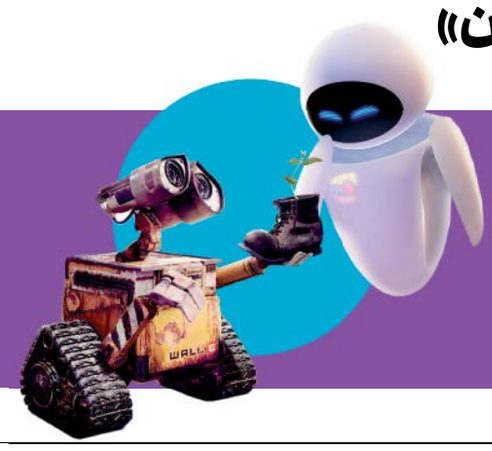

رسانه

پنجشنبه :: ۲ خرداد ۱۳۹۸ :: شماره ۵۳۹۱

جام جم ۵

نقدهای زیادی به شباهت‌های «از یادها رفته» و «شهرزاد» مطرح می‌شود؛ نگاهی به این ۲ سریال کردیم تا ببینیم حق با کدام گروه است

مهربانو شهرزاد است؟

هلیا امامی در نقش مهربانو- ترانه علیدوستی در نقش شهرزاد | طرح: سپهر سامی‌فرد- جام جم

ترانه فروردین

گروه رسانه

خبرهایی از ساخت سریالی تاریخی و عاشقانه برای تلویزیون شنیده می‌شد تا این‌که تابستان ۹۶ تصویربردای «از یادها رفته» در شهرك غزالی شروع شد و بازیگران مقابل دوربین بهرام بهرامیان قرار گرفتند. این سریال رمضان امسال روی آنتن رفت و حالا هر شب از شبکه یك سیما پخش می‌شود. با گذشتن چند قسمت از مجموعه از یادها رفته، حرف و حدیث‌هایی راجع به شباهت آن با سریال شهرزاد، ساخته حسن فتحی مطرح شد؛ سریالی که سال ۹۴ به شبکه نمایش خانگی آمد و فصول بعدی آن هم سال ۹۶ تا ۹۷ پخش شد. حکم تشابه دادن به این دو مجموعه پیش از پایان یافتن یکی از آنها منصفانه به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به مشخصه‌های بارز هر دو فیلمنامه مثل درگیری‌های عاطفی که تاکنون برای مخاطب رو شده است، در ادامه نگاهی به شباهت‌ها و تفاوت‌های شخصیت‌ها و رخدادهایی که می‌توان آنها را مابه‌ازای همدیگر در این دو مجموعه دانست، می‌اندازیم و واکنش تهیه‌کننده از یادها رفته را به این موضوع نقل می‌کنیم.

ادامه در صفحه ۶

قَند

امروز ساعت ۱۳ فیلم سینمایی نیاز را از شبکه نمایش ببینید.

قصه: داستان فیلم در مورد نوجوانی به نام علی است که پس از مرگ پدرش، تصمیم می‌گیرد نان‌آور خانه شود. علی پس از چند روز در چاپخانه‌ای مشغول کار می‌شود. همزمان نوجوان دیگری به نام رضا نیز برای همان کار وارد چاپخانه می‌شود. با وجود درگیری‌های اولیه بین آن دو، به‌تدریج بین آنها پیوند عاطفی برقرار می‌شود.

چرا باید ببینیم؟ این فیلم سینمایی برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از دهمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. همچنین برنده پروانه طلایی بهترین کارگردانی از هفتمین دوره جشنواره فیلم‌های کودك و نوجوان شد.

کارگردان: علیرضا داوودنژاد

بازیگران: علی سوری، ترحم فتحی، شهره لرستانی، عزت ا... صلح‌جو مهربان، صدرا... اعتصامی، شجاع‌الدین حبیبیان، حسین میرآقایی، حبیب ا... قلیچ‌خانی و محمد یوسفی.

سال ساخت: ۱۳۷۰

نَقد

ایرنا با انتشار مطلبی به نقد سریال برادرجان که این شب‌ها روی آنتن شبکه سه سیما می‌رود، پرداخته است:

تلویزیون یك سال فرصت داشت که برای باکس طلایی خود در یك سال سریال‌هایی با داستانی قوی و باورپذیر روی آنتن ببرد، اما در یك عملکرد ضعیف ترجیح داد سریال برادرجان به نویسندگی سعید نعمتا... و کارگردانی محمدرضا آهنج را در بهترین زمان کنداکتور سیما از شبکه سه پخش کند.

تا حالا همه چیز در این سریال خوب است و به درستی جلو می‌رود، اما سازندگان این سریال توجهی به این موضوع نکردند که پرداختن به طور مستقیم و شعارگونه به موضوع حق‌الناس در یك سریال رمضانی می‌تواند مخاطب را پس بزند.

یکی از ویژگی‌های فیلمنامه‌های نعمتا... این است که عادت به نوشتن دیالوگ‌های شاعرانه دارد. انسان‌ها در داستان او راحت حرف نمی‌زنند. امروزی صحبت نمی‌کنند و این موضوع حتی تا جایی پیش می‌رود که آدم‌ها در صحبت با صمیمی‌ترین فرد زندگی‌شان از جمله‌های پرطمطراق استفاده می‌کنند. گاهی هم آنقدر این جمله‌ها ادبی می‌گردد که مخاطب سخت مفهوم دیالوگ‌ها را متوجه می‌شود.

نعمتا... از ساختن کاراکترهایی که در بیشتر اوقات با نیش و کنایه و رمزآلود صحبت کنند لذت می‌برد و همین موضوع باعث می‌شود که بیننده کمی گیج شود. مخاطب برادرجان نمی‌تواند این سبك صحبت کردن و رفتارها را کنار ماشین شاسی‌بلند و فضای امروزی تهران بگذارد. نوشتن دیالوگ‌های ادبی و شاعرانه که همه را یاد فیلم‌های چندین دهه پیش می‌اندازد مهم‌ترین نقطه ضعف این سریال است.

نُقل

مدتی است تصویر جالبی از آرش امیراحمدی، نادر سلیمانی و نصرا.. رادش کنار همدیگر در فضای مجازی منتشر شده است.

تصویر بالا این سه نفر را با چهره‌ای جوان در سال ۷۲ نشان می‌دهد و تصویر پایین عکسی از آنان با همان ژست ۲۵ سال بعد است.

آرش امیراحمدی بازیگر مجموعه خنده‌بازار متولد ۱۳۵۰ در فراشبند فارس است و غالبا او را در نقش‌های کمدی دیده‌ایم.

نادر سلیمانی متولد ۱۳۴۵ در آبادان است و او نیز در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های کمدی زیادی چون ساعت خوش، باغ مظفر، قهوه تلخ، پنجاه کیلو آلبالو و نهنگ عنبر حضور داشته اما در ژانرهای دیگر نیز تجربه‌هایی مثل بازی در فیلم سینمایی لاتاری را دارد.

نصرا... رادش دیگر بازیگر حاضر در این عکس متولد ۱۳۴۵ بهبهان است که با بازی در مجموعه پرواز ۵۷ به کارگردانی مهران مدیری در تلویزیون شناخته شد. رادش هم غالبا به خاطر نقش‌آفرینی در آثار کمدی شناخته می‌شود.

نَقل

حسام منظور، بازیگر نقش چاوش در سریال برادرجان به فارس گفته است:

بعد از پخش سریال «بانوی عمارت» چند پیشنهاد داشتم که قصه برادرجان را از همه آنها بیشتر دوست داشتم و علاقه‌مند بودم با گروه تولید این سریال همکاری کنم. همیشه برای هر بازیگری در انتخاب نقش، مؤلفه‌هایی که شخصی هم هست باید وجود داشته باشد. از طرفی بازیگری یعنی انتخاب؛ از انتخاب نقش گرفته تا فیلمنامه و کنش‌ها و ... که همه اینها مجموعه‌ای است که شخصیت یك نقش را شکل می‌دهد. شخصیت چاوش به لحاظ روحی و روانی فراز و فرودهای بسیاری داشت و جذاب بود و احساس کردم می‌توانم شخصیت او را زنده کنم. همیشه شخصیت‌هایی را دوست داشتم که بتوانم آنها را زنده کنم و تصنعی‌ها را دوست ندارم؛ به این دلیل که نمی‌شود زندگی را به آنها تزریق کرد. زمانی که فیلمنامه را خواندم متوجه شدم چاوش شخصیتی است که می‌توانم به او نزدیك شوم و در اجرا زنده‌اش کنم.

هر نقشی ابعاد مختلفی دارد و یکی از ابعادش ویژگی صنفی آن شغل است و اگر قرار باشد من نوعی نقش یك پزشك یا پلیس را بازی کنم باید درباره ویژگی‌های آن شغل اطلاعاتی داشته باشم و هر شغلی ویژگی‌های فیزیکی خاصی برای آدم به وجود می‌آورد و طبعا فردی که مدیر یك شرکت است در راه رفتن، غذاخوردن، آداب معاشرت و... با فردی که پلیس است تفاوت‌هایی دارد. چاوش نیز در بازار میوه و تره بار میوه فروشی می‌کند و بالطبع شغل او نیز خصیصه‌هایی به لحاظ فیزیکی، صحبت کردن و رفتاری دارد. من نیز درباره همه اینها اطلاعات جمع‌آوری کردم و در میدان میوه و تره‌بار با افرادی که صاحبین این شغل هستند صحبت‌های بسیاری داشتم. حتی سکانسی داشتیم که در آن پرتقال می‌خوردم و نوع خوردن پرتقال را از میدونی‌ها پرسیده بودم و آنها به من یاد داده بودند.

جالب است بدانید نوع میوه خوردن افرادی که در آنجا کار می‌کنند با سایر مردم متفاوت است و در تمام لحظه‌هایی که در میدان تره‌بار تصویربرداری داشتیم، مدام با آدم‌هایی که بخشی از زندگی‌شان در آن فضا می‌گذرد، صحبت می‌کردم تا بتوانم نقش باورپذیری را بازی کنم.

این سریال در مورد انسان و انسانیت است و همیشه موضوع‌های انسانی جذاب هستند و تاریخ مصرف ندارند و ممکن است در هر برهه‌ای برای افراد اتفاق بیفتند، کما این‌که از زمانی که سریال پخش شده عده‌ای با من تماس گرفتند و گفتند عین همین اتفاق برای ما و خانواده‌مان افتاده است. این یعنی رخ دادن چنین اتفاق‌هایی در جامعه ما عمومیت دارد و معضل مردم است.

یادداشت:
محسن حسینی
بازیگر

مردم هم فهمیده‌اند در ماهواره خبری نیست

دوره‌ای بود که مردم کمتر تلویزیون می‌دیدند و اغلب شبکه‌های ماهواره‌ای را نگاه می‌کردند و فاجعه‌بار این‌که، تکرار برنامه‌های ماهواره‌ای را هم می‌دیدند، ولی در چند سال اخیر آن سراب ماهواره کمرنگ شده و مخاطبان دریافته‌اند محصولات ماهواره‌ای هم جز تکرار مکرراتی پرزرق و برق چیزی ندارند.

قدیم‌تر همه به دنبال رویای آمریکایی بودند و این‌که در سیر و سلوك زندگی به آمریکاییان اقتدا کنند و امروزه رویای بورژوازی رشد کرده و همه می‌خواهند یکشبه بورژوا شوند، یعنی یك اشرافیت کاذب منسوخ شده در دل جامعه تسری یافته است. بخشی از این رویای کاذب ناشی از غلبه سریال‌های ماهواره‌ای بوده که زرق و برق‌های دروغین را به خورد ملت می‌دهند، ولی خوشبختانه این غلبه کم و کمتر شده چون مخاطب هم فهمیده این سریال‌ها صداقت ندارند.

با این حال برای این‌که بتوانیم به طور قطعی جلوی غلبه سریال‌های سخیف ماهواره‌ای را بگیریم باید برای تولید سریال‌های فاخر سرمایه‌گذاری کنیم.

من افتخار می‌کنم نسل نوینی از بازیگرها آمده‌اند که واقعا حیرت‌انگیز هستند و همچنین کارگردان‌های نسل جوان خوبی داریم، ولی نباید اینها به حال خودشان رها شوند و باید به کار گمارده شوند تا بارده‌تر شوند.

هر جامعه‌ای، فرهنگ خودش را طلب می‌کند. ما یك کشور وسیع با امکانات طلایی و طبیعت شگفت‌انگیز داریم، ولی متاسفانه از آن استفاده بهینه نمی‌بریم. جامعه ایران جامعه متنوعی است و تنوع در برنامه‌ها را می‌طلبد. این تنوع برنامه‌ها باید برای تمام گروه‌های سنی در نظر گرفته شود، ولی متأسفانه یك‌دفعه جوگیر می‌شویم و ده‌ها برنامه هم‌شکل تولید می‌کنیم مثلا تا یك برنامه گفت‌وگومحور گل می‌کند ده‌ها برنامه مثل آن تولید می‌شود.

در همه جای دنیا مدام به آنالیز و تجزیه و تحلیل محصولات خود می‌پردازند که دریابند برای بهبود چه باید کرد تا همه طیف‌های سنی برنامه داشته باشند. تجزیه و تحلیل هم نیاز دارد به استفاده از تجربیات بزرگان. چرا از بزرگانی که تجربه و تخصص و تحصیلات دارند همفکری نمی‌گیرند و در اتاق فکرشان از اینها دعوت به‌عمل نمی‌آورند که اوضاع را بهبود بخشند؟!

از بزرگان استفاده نمی‌کنیم و به‌جایش به تکثیر «دکتر» پرداخته‌ایم. افراد کم‌تجربه و بی‌تجربه را به نام دکتر وارد سیکل‌های مدیریتی می‌کنند و تا نقدی به آنها می‌شود با این پاسخ روبه‌رو می‌شویم که فلانی دکتر است. در هنر خلاقیت و تجربه لازم است و نه دکتر بودن! متأسفم که بگویم مغازه‌ای باز شده به نام پژوهش هنر و به تعداد بسیاری مدرك دکترا داده، ولی مدیران بالادستی فرهنگی و به‌خصوص در رسانه ملی نباید فریب این عناوین را بخورند و باید کار را به متخصصان بسپارند.

ببینید و بشنوید

شبکه یك

۱۱/۰۵	آفتاب شرقی
۱۶/۱۰	نمایشگاه قرآن
۱۶/۲۵	کلاس یك
۱۸/۱۰	درس‌هایی از قرآن: درباره نقش پیامبران و امامان در احیای انسانیت، معنای درست انتظار ظهور امام‌زمان(عج) و ترك مباحث غیرضروری توضیح می‌دهد.
۱۹/۲۵	دعوت
۲۲/۰۵	مجموعه داستانی از یادها رفته
۲۳	این شب‌ها

شبکه دو

۱۳/۲۰	سخنرانی
۱۸	از لاك جیغ تا خدا
۱۸/۳۵	کوی محبت
۱۹/۴۵	میخچه
۲۱	ایران
۲۱/۳۵	سریال دل‌دار

شبکه سه

۱۱/۴۵	برنا
۱۲/۳۰	زلال احکام
۱۳/۴۵	سمت خدا
۱۴/۴۵	ترتیل‌خوانی
۱۷	مستند نور
۲۰/۴۰	سریال برادرجان
۲۲/۳۰	مخاطب خاص
۲۳/۳۰	باغ رمضان

شبکه پنج

۱۲/۱۵	تا نیایش
۱۳/۲۰	ترتیل قرآن
۱۷	به خانه برمی‌گردیم
۱۹	اختیاریه
۲۰/۳۰	تهرانگرد
۲۳	سریال جونگ میونگ

شبکه تماشا

۱۷	هشت و نیم دقیقه
۱۸	دلدادگان
۱۹	افسانه اوك نیو
۲۰	بانوی عمارت
۲۱	زیر پای مادر
۲۲	مردان سایه
۲۳	پرستاران

شبکه نسیم

۱۹	هزار دستان
۲۰/۳۰	سریال بزنگاه
۲۱	قاچ
۲۱/۳۰	شوتبال
۲۳	مرور دورهمی

شبکه شما

۳/۳۰	نسیم رحمت
۵	جمع‌خوانی قرآن کریم از مراکز استان‌ها
۹	پزشك شما
۱۰	کاشانه مهر (شیراز)
۱۸	ترانه‌باران
۱۹	یك شهر یك ضیافت (اصفهان)
۲۱	شکرخند
۲۲	میزبان
۲۳	تمنا دعای کمیل از حرم مطهر امام رضا(ع)

شبکه نمایش

۱۳	نیاز
۱۵	زمانی که دزد بودم
۱۷	گمشده
۱۹	دره تاریك
۲۱	کیمیا
۲۳	گزارش پلیکان